

بحران مالی جهان و بانک‌های کشور

گرفتاری‌های بانکی

کاهش رشد سپرده‌ها، کاهش توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها، فشارهای دولتی برای استقراض از سیستم بانکی، کاهش اعتبارات اسنادی و افزایش نرخ بهره بین بانکی از مهمترین آثار بحران جهانی بر نظام بانکی کشور است.



پیش از آن که ایران به همراه کشورهای هم‌تراز خود در خاورمیانه، دچار موج جدید بحران مالی جهان و تبعات منفی آن شود، مسؤولان بانک مرکزی در اکثر نشست‌های خبری خود از عدم تأثیرپذیری مستقیم ایران از بحران مالی جهان خبر دادند و همواره بر این نکته تأکید کردند که اثرات بحران مالی جهانی بر نظام اقتصادی کشور اندک است. شاید مسؤولان به این دلیل بر آثار بحران تأکید چندانی نکردند که اثرات غیرمستقیم بحران مالی جهانی، زمانی دامن‌گیر ایران شد که اقتصاد کشور خود در شرایط بسیار بحرانی به سر می‌برد.

افزایش نقدینگی از ۶۸ هزار میلیارد تومان در سال ۸۳ به ۱۷۰ هزار میلیارد تومان تا آبان سال جاری، افزایش نرخ تورم از ۱۵/۲ درصد در اواخر سال ۸۳ به ۲۵/۵ درصد تا پایان آذر ۸۷ و از بین رفتن بسیاری از واحدهای تولیدی و صنعتی به دلیل واردات بی‌رویه، تنها گوشه‌ای از وقایع اقتصادی کشور است که به گفته کارشناسان، ایران را یک سال پیش از بحران، با اثرات آن آشنا کرده است.

از سوی دیگر، عده‌ای از کارشناسان اقتصادی بر این عقیده بودند که به دلیل قطع ارتباط بانک‌های کشور با سایر بانک‌های بین‌المللی - به واسطه تحریم - اثرات بحران مالی بر نظام بانکی کشور ناچیز است، اما اکنون به راحتی می‌توان تأثیرات غیرمستقیم

مذکور است. اگرچه در شرایط کنونی اتخاذ این سیاست تا حدودی در کنترل نقدینگی و مهار بحران مسکن موفق بوده، اما سوء مدیریت‌ها در برخی موارد منجر به ورشکستگی بنگاه‌ها و بروز عواقب خطرناک دیگری از این قبیل شده است. از دیگر سیاست‌های دولت در شرایط کنونی، کاهش نرخ‌های بهره بانکی است. نرخ‌های بهره‌های رسمی و غیررسمی در کشور، در حالی روند صعودی را طی می‌کنند که این امر، توجیه‌پذیری اقتصادی سرمایه‌گذاری را با تردید مواجه ساخته و بازدهی سرمایه را کاهش داده است. از طرفی، در اوضاع نابه‌سامان فعلی، دولت درصد تصویب و اخذ مالیات بر ارزش افزوده است که این امر با کاهش در تقاضا، رکود را تشدید کرده و شرایط را به زیان اقتصاد کشور رقم خواهد زد. لذا همان گونه که اشاره شد، در چنین شرایطی کاهش نرخ مالیات بر ارزش افزوده تا صفر درصد را می‌توان تمهید مناسبی ارزیابی کرد. با توجه به سهم بالای صنعت در مصرف انرژی، طرح تحول اقتصادی دولت و آزادسازی کامل قیمت‌های انرژی - خصوصاً با رویکرد قیمت‌های بین‌المللی - می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری را بر صنعت و مقوله سرمایه‌گذاری در کشور وارد آورد.

چه کنیم؟

به این ترتیب، بررسی طرح تحول اقتصادی دولت که اکنون با قید یک فوریت در دستورکار مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است، در شرایط بحران جهانی از حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، چراکه بسیاری از نکات کلیدی طرح مذکور، شامل همان مواردی اند که می‌توانند کشور را از این بحران در امان بدارند و یا برعکس، شرایط را برای ورود به بحران فراهم آورند. مواردی چون اصلاح سیستم مالیاتی، اصلاح گمرک، ارزش پول ملی و موضوع مهم نقدی شدن یارانه‌ها از این قبیل هستند. متأسفانه تاکنون سیاست‌های دولت، متناسب با شرایط نبوده است و چنانچه روند کنونی تداوم یابد و بسته‌ای که حاوی راهکارهای مقابله با بحران است، تدوین و تصویب نگردد، بدون شک سال ۸۸ شرایط سختی را برای اقتصاد ایران رقم خواهد زد. البته نباید فراموش کنیم که شرایط کنونی اقتصاد کشور، نیازمند بستر سازی‌های مناسب در جهت استفاده از فرصت‌های ناشی از بحران جهانی است. بازارهای آشفته و سرمایه‌های سرگردان کشورهای توسعه یافته - اما مبتلا به بحران - در جست‌وجوی شرایط امن سرمایه‌گذاری و محیط‌های ایمن از آفت می‌باشند و تا دامن محیط تقریباً آیزوله اقتصاد ایران به بحران آلوده نشده است، می‌توان از فرصت‌ها استفاده کرد. به خصوص آن که طی سال‌های اخیر و به واسطه تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه قدرت‌های بزرگ جهان، کشور از شرایط جذب سرمایه‌های خارجی و دسترسی به بازارهای بین‌المللی محروم بوده است. در یک کلام، شرایط برای تجلی مزایا و استفاده از فرصت‌ها فراهم است، به شرط آن که پیش از زایل شدن فرصت‌ها، تمهیدات لازم را اتخاذ کنیم، البته اگر هنوز دیر نشده باشد! ■

منفی یادشده، انتظار می‌رود که بازارهای مالی کشورمان نیز متأثر شوند. اگر بحران مالی حاکم بر اقتصاد جهان به سرعت درمان نشود، به یک رکود عمیق در سطح جهان تبدیل شده و بی‌تردید در بلندمدت، شرایط اقتصادی ایران را نیز کاملاً تغییر خواهد داد.

در این راستا، «اقتصاد ایران» راهکارهای زیر را برای مقابله با بحران مالی در کشور پیشنهاد می‌کند:

- کاهش نرخ مالیات شرکت‌های حقوقی تا ۲۰ درصد و افراد حقیقی تا ۲۵ درصد
- تعویق اخذ مالیات بر ارزش افزوده (VAT)؛ به عبارت دیگر، کاهش نرخ مالیات بر ارزش افزوده از ۳ درصد به صفر
- تخفیف حق بیمه سهم کارفرما؛ مثلاً به ۱۸ درصد
- افزایش میزان نقدینگی و تسهیلات نسبت به ۹ ماهه اول سال جاری
- کاهش نرخ بهره برای واحدهای خوش حساب به عنوان درصدی از بهره «صرف ریسک»
- اصلاح سریع محیط کسب‌وکار، خصوصاً در رابطه با هیأت‌های مرتبط با قانون کار
- مدیریت واردات در جهت حمایت از کالاهای واسطه‌ای (به دلیل کاهش منابع ارزی)
- قیمت‌گذاری انرژی بر مبنای هزینه تمام شده داخلی - نه قیمت‌های بین‌المللی - برای کاهش قیمت تمام شده و تبلور مزیت‌های نسبی کشورمان
- افزایش طرح‌های عمرانی دولت و تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
- تأمین منابع مالی انبوه و غیرتورمی از بازار سرمایه

علت و معلول

از آنجایی که اقتصاد ایران متکی به درآمدهای نفتی است، بودجه سالانه کشور نیز بر مبنای قیمت‌های جاری نفت تنظیم می‌گردد. بنابراین با توجه به کاهش شدید قیمت نفت می‌توان گفت که سال آتی، سالی با کسری بودجه گسترده، خصوصاً در بُعد بودجه‌های عمرانی خواهد بود که این امر می‌تواند علاوه بر آثار سوء تورمی، بسیاری از پروژه‌های برنامه‌ریزی را متوقف و یا غیرموجه نماید. در ضمن، کاهش نقدینگی در جهت حمایت از تولید و توقف روند تولید که می‌تواند به کاهش اشتغال و افزایش نرخ بیکاری در کشور بیانجامد نیز از دیگر آثار بلندمدت کاهش جهانی قیمت نفت می‌باشد. متأسفانه مشکلات کشورهای صنعتی، علت مسایل اقتصادی کشور ما شده است؛ به این معنی که کاهش قیمت نفت که معلول بروز رکود مالی در این کشورها است، منجر به کاهش تقاضای انرژی و به تبع آن کاهش قیمت نفت گردیده و به گرفتاری بزرگ اقتصاد ایران تبدیل شده است.

از طرفی چنین به نظر می‌رسد که بسیاری از سیاست‌های کنونی دولت، در خلاف مسیر بحران فعلی برنامه‌ریزی شده‌اند که تداوم این امر، به تشدید شرایط بحرانی در کشور خواهد انجامید. اعمال سیاست‌های انقباضی در بحث تسهیلات بانکی که به رکودی بیش از رکود جهانی بدل شده است، نمونه‌ای از سیاست‌های

بحران را بر بدنه نظام بانکی مشاهده کرد.

کاهش رشد و ماندگاری سپرده‌ها

دامنه بحران مالی جهانی از اواخر سال جاری به ایران کشیده شد. یکی از تبعات مهم این بحران، کاهش رشد اقتصادی کشور است. اکونومیست در آخرین پیش‌بینی خود اعلام کرد که رشد اقتصادی ایران از ۵/۶ درصد در سال ۸۷ به ۳/۵ درصد در سال آینده کاهش می‌یابد. در این شرایط، احتمال دارد که واحدهای تولیدی به دلیل کاهش سطح تولید به حالت نیمه تعطیل درآمده و حتی برخی از واحدهای تولیدی، طعم تلخ ورشکستگی را تجربه کنند.

افزایش بیکاری و کاهش درآمد افراد از تبعات چنین رویدادی است. برخی از کارشناسان معتقدند با افزایش بیکاری و کاهش درآمدها، افرادی که بخشی از درآمد خود را نزد بانک‌ها سپرده‌گذاری می‌کردند، دیگر قادر به پس‌انداز وجوه نخواهند بود. در نتیجه پیش‌بینی می‌شود رشد سپرده‌ها در سال آینده با کاهش مواجه شود. البته کاهش رشد سپرده‌های بانکی از اوایل سال جاری آغاز شده است که اما به گمان کارشناسان، این روند در سال آینده به دلیل وقوع بحران از شدت بیشتری برخوردار خواهد شد. علاوه بر این، تغییر نوع سپرده‌ها از بلندمدت به کوتاه‌مدت، اتفاق دیگری است که در زمان بحران دور از ذهن نیست. بدین معنی که وجوه مردمی از حساب‌های بلندمدت چندین ساله خارج و در حساب‌های کوتاه‌مدت چند

ماهه و حتی روز شمار سپرده‌گذاری می‌شوند. به این ترتیب، ماندگاری سپرده‌ها در شبکه بانکی کشور، به مراتب کاهش می‌یابد. دلیل این تغییر، ترجیح نقدینگی بالایی است که بخش‌های مختلف اقتصادی برای ایفای تعهدات خود به آن نیازمند می‌باشند.

گفته می‌شود ما با یکی از اتفاقات زمان بحران که در ادبیات اقتصادی نیز مورد قبول است، ترجیح نقدینگی است که به شدت افزایش می‌یابد. بنابراین حجم قابل توجهی از وجوه افراد به دلیل عدم اطمینان به بازار به حساب‌های کوتاه‌مدت و جاری - که به سرعت قابل دسترسی هستند و نقدشوندگی بالایی دارند - منتقل می‌شود. رونق بیش از پیش ترجیح نقدشوندگی، ممکن است موجب تبدیل وجوه ریالی به ارز و خروج آن از کشور شود، زیرا انجام تعهدات برون‌مرزی به مراتب مهم‌تر از ایفای تعهدات داخلی است و افراد نمی‌خواهند اعتماد طرف تجاری خارجی را از دست بدهند. همچنین ممکن است به دلیل کاهش قیمت‌ها در جهان، سرمایه‌ها از بانک‌های کشور خارج شده و برای کسب بازده بیشتر به سوی واردات سوق یابند.

کاهش توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها

پرداخت تسهیلات با میزان جذب سپرده رابطه‌ای

همسود دارد. در شرایط بحرانی که سپرده‌ها با رشد منفی مواجه می‌شوند، توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها به همان میزان کاهش می‌یابد. حتی ممکن است ورشکستگی احتمالی‌گیرندگان تسهیلات، موجب عدم بازگشت اقساط تسهیلات و پیدایش موج جدیدی از مطالبات معوق بانکی شود. بنابراین در این شرایط، مطالبات معوق بانک‌ها که به ۳۰ هزار میلیارد تومان رسیده است، در سال آینده افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی، بانک‌ها ناچارند که با گیرندگان تسهیلات در بازپرداخت اقساط مدارا و حتی از اخذ جریمه دیرکرد چشم‌پوشی کنند. گفته می‌شود ممکن است بانک‌ها از پرداخت تسهیلات بلندمدت صرف‌نظر کرده و بیشتر فعالیت خود را بر روی پرداخت تسهیلات کوتاه‌مدت به



متقاضیان متمرکز نمایند.

کاهش توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها در حالی صورت می‌گیرد که دولت مصمم است دو طرح بنگاه‌های زودبازده و مسکن مهر را هرچه گسترده‌تر به انجام برساند. به عقیده برخی از کارشناسان، ممکن است بانک‌ها جهت تأمین مالی خود به استقراض از منابع در اختیار بانک مرکزی روی آورند. چنین اقدامی میزان اضافه برداشت بانک‌ها را از منابع بانک مرکزی، نسبت به گذشته دوچندان خواهد کرد.

کسری بودجه دولت و فشار بر سیستم بانکی

بحران غرب به طور مستقیم از طریق کاهش قیمت نفت باعث کاهش محصول ناخالص داخلی ایران و در نتیجه افزایش کسری بودجه دولت می‌شود. کارشناسان اقتصادی، میزان کسری بودجه دولت را در سال آینده ۳۰ تا ۶۰ هزار میلیارد تومان عنوان می‌کنند و معتقدند که دولت ممکن است برای تأمین کسری بودجه خود، ناچار به استقراض از منابع بانک مرکزی شود. نتیجه این اقدام، افزایش مجدد نقدینگی و به تبع آن افزایش نرخ تورم خواهد بود. البته احتمال دارد بانک مرکزی به دلیل سیاست کنترل تورم و جلوگیری از افزایش مجدد نقدینگی، نسبت به استقراض دولت واکنش منفی نشان

دهد، اما در نهایت دولت چاره‌ای جز استفاده از منابع بانک مرکزی ندارد، زیرا ابزارهای دیگر چون مالیات، به دلیل نبود نظام مالیاتی شفاف، قادر به تأمین نیازهای مالی دولت نخواهند بود.

کاهش گشایش اعتبارات اسنادی

محدود شدن حجم اعتبارات اسنادی از دیگر مشخصه‌های بحران نظام بانکی است. البته حجم اعتبارات اسنادی پیش از بحران نیز رقم چندان قابل توجهی نبود و بانک‌ها به دلیل تحریم‌های بین‌المللی، به ندرت می‌توانستند در گشایش اعتبارات اسنادی موفق عمل کنند و افراد، با وجوه نقد و پذیرش ریسک‌های متعدد، به گشایش خطوط اعتباری (LC) تن می‌دادند. با این حال، کارشناسان اقتصادی می‌گویند آن حجم از اعتبارات اسنادی که بانک‌ها با وجود تحریم می‌توانستند گشایش کنند، با وقوع بحران دستخوش تغییر شده و به شدت تنزل پیدا خواهد کرد.

افزایش نرخ بهره بین بانکی

افزایش نرخ بهره بین بانکی نیز از جمله مسائلی است که با وقوع بحران تشدید خواهد شد. تأمین نقدینگی مورد نیاز از طریق دیگر بانک‌ها، راهی متداول است که با توجه به بحران کاهش سپرده‌ها در سال آتی، فشار را بر منابع بانکی بیشتر می‌کند. بنابراین ممکن است برخی بانک‌ها تحت فشارهای بیرونی، برای جبران کمبود منابع مالی مورد نیاز به استقراض از یکدیگر روی آورند که این افزایش تقاضا برای تسهیلات بین بانکی، موجب افزایش نرخ بهره بین بانکی خواهد شد. گروهی دیگر از کارشناسان بر این باورند که بانک‌ها به دلیل کمبود نقدینگی و دیگر فاکتورهای موجود، قادر به پرداخت بهره این تسهیلات نخواهند بود. بنابراین تعدادی از بانک‌ها با در نظر گرفتن این شرایط از دریافت تسهیلات بین بانکی اجتناب خواهند کرد.

کاهش سود و چالش خصوصی‌سازی

متأثر شدن صنایع داخلی از بحران مالی و به تبع آن کاهش تولیدات داخلی، باعث بروز بحران نقدینگی در میان صاحبان صنایع، عدم بازگشت تسهیلات اعطایی و در نهایت، افزایش میزان مطالبات معوق بانک‌ها می‌شود. ادامه این روند، کاهش سود بانک‌ها و کاهش نقدینگی آنها را به دنبال خواهد داشت. تأثیر کاهش سود به طور حتم بر فرایند خصوصی‌سازی بانک‌ها نمایان می‌شود و عرضه سهام آنها را به بخش خصوصی با اُفت و چالش‌های اساسی روبه‌رو خواهد کرد و مهم‌تر آن که خطر ورشکستگی بالقوه بانک‌ها را به همراه خواهد آورد. ■